

به نام خدا

نابرابری آموزشی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی

مؤلف :

آذر مهر علی‌لو

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



سرشناسه : مهرعلی‌لو، آذر، ۱۳۶۵
عنوان و نام پدیدآور : نابرابری آموزشی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی / مولف: آذر مهرعلی‌لو
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۸۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۰۰-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیفا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : نابرابری آموزشی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۵۲۵۲۶۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

نام کتاب : نابرابری آموزشی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی
مولف : آذر مهرعلی‌لو
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۴۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۰۰-۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



فهرست

فصل اول: کلیات.....	۷
مقدمه.....	۷
بیان مسئله.....	۹
ضرورت و اولویت کتاب.....	۱۳
اهداف کتاب.....	۱۸
سوال‌ها و فرضیه‌های کتاب.....	۱۹
فرضیه‌های کتاب به شرح زیر بیان می‌شوند؛.....	۱۹
روش کتاب.....	۲۰
حدود کتاب.....	۲۱
تعریف عملیاتی متغیرهای کتاب.....	۲۱
رشد اقتصادی؛.....	۲۱
ضریب جینی آموزشی.....	۲۱
نابرابری آموزشی.....	۲۲
هزینه‌های دولت در بخش آموزشی.....	۲۲
اندازه دولت.....	۲۳
ساختار رساله.....	۲۳

۲۳.....	خلاصه فصل اول
۲۵.....	فصل دوم: ادبیات نظری
۲۵.....	مقدمه
۲۷.....	مروری بر نظریه های رشد اقتصادی
۲۸.....	نظریه رشد آدام اسمیت
۲۹.....	نظریه رشد ریکاردو
۳۰.....	نظریه رشد کینز
۳۳.....	الگوی رشد هارود- دومار
۳۴.....	فرضیات مدل هارود- دومار
۳۷.....	انواع نرخ رشد اقتصادی در الگوی هارود- دومار
۴۰.....	مدلهای رشد نئوکلاسیک
۴۵.....	الگوی رشد کالدور
۴۷.....	مدلهای رشد درونزا
۴۸.....	مدل AK یا مدل رشد درونزای محدب
۵۰.....	الگوی رشد درونزا با تاکید بر انباشت سرمایه انسانی
۵۳.....	الگوی رشد درونزا با تاکید بر مخارج دولتی
۵۴.....	الگوی رشد درونزا با تاکید بر کتاب و توسعه
۵۶.....	مبانی نظری نابرابری آموزشی

٦٠ مطالعات تجربی

٦٠ مطالعات خارجی

٦٧ مطالعات داخلی

٧٤ خلاصه فصل دوم

٧٧ منابع و پیوست

٧٧ منابع

فصل اول

کلیات

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم تمام کشورها است، ولی با اهداف مختلف در کشورهای در حال توسعه یا پیشرفته صنعتی که در کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم بکار می‌رود و در کشورهای در حال توسعه از یک سو به معنای کاهش یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم به سطحی است که کشورهای توسعه یافته از آن بهره‌مند هستند. نقش آموزش به عنوان وسیله‌ای برای رشد و توسعه اقتصادی، در طول زمان کاملاً متفاوت است. به زبان ساده تر، گسترش آموزش رسمی که در سطوح و انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود، ممکن است در برخی مراحل جریان رشد، اساسی‌ترین کار باشد، در حالی که در مراحل دیگری ممکن است به دلیل اولویت هدف‌های دیگر با اهمیت کمتری تلقی شود.

یکی از تاثیرات مهم گسترش تعلیم و تربیت آن است که موجب توسعه تمایلات آزادی خواهانه سیاسی و اجتماعی می‌شود. تاثیر مهم دیگر آن است که گسترش آموزش و پرورش

موجب کاهش نرخ رشد جمعیت می‌شود به این طریق یک مشکل بزرگ کشورهای در حال توسعه را کاهش می‌دهد. افراد تحصیلکرده نیز عموماً دیرتر ازدواج می‌کنند و چگونگی کنترل فرزند را نیز بهتر می‌دانند و بهتر رعایت می‌کنند و همچنین در مورد بهداشت بهتر عمل می‌کنند. علاوه بر این بالا رفتن سطح آموزش عمومی موجب افزایش طول عمر و امید زندگی می‌شود و این امر فعالیت بیشتر برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی را دامن می‌زند (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۴).

آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش‌ها و طرز تلقی‌های افراد می‌شود و این خود تاثیری مستقیم بر وضعیت اقتصادی دارد. غالب کتابات حاکی از آن است که رشد اقتصادی با بهبود آموزش عمومی و باسوادی مردم ارتباط دارد، آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای همراه با تجارب ضمن خدمت نیز در کارآیی شغلی و پیشرفت اقتصادی موثرند و به هر صورت نوع سیستم آموزش و اهداف و برنامه‌ها و امکانات آن نیز در میزان رشد اقتصادی کاملاً موثر است. بر این اساس در این کتاب به بررسی تاثیر نابرابری آموزشی در ایران و تاثیر آن بر رشد اقتصادی پرداخته خواهد شد. برای این منظور شاخص جینی نابرابری آموزشی در ایران تدوین و مورد بررسی قرار گرفته است.

در این فصل ابتدا به شرح و بیان مسئله و ضرورت کتاب پرداخته می‌شود و در ادامه کتاب به بیان سوال و فرضیه کتاب، حدود کتاب، کاربرد نتایج کتاب و ساختار رساله پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

این نظر که سرمایه‌گذاری در آموزش موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود، درواقع، به زمان آدام اسمیت و اقتصاددانان کلاسیک برمی‌گردد که تأکید بر اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه مهارت انسانی داشتند. به عقیده اسمیت، انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولیدی آن‌ها به‌صورت بهتری بهره‌مند شود. پس از اسمیت نیز اقتصاددانان کلاسیکی دیگر از قبیل ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و مارشال در خصوص اهمیت آموزش و سرمایه‌گذاری در انسان و تأثیر آن در اقتصاد مطالبی را مطرح کردند.

اگرچه نظریه سرمایه‌گذاری انسانی ابتدا توسط آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل مطرح شد و پس از آن نیز دانشمندان زیادی به آن پرداختند، ولی شولتز در سال ۱۹۶۱ بار دیگر این نظریه را به‌صورت جدیدی مطرح کرد. شولتز از آموزش به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری یاد کرد. او سرمایه‌گذاری انسانی را جزئی از مفهوم عمومی سرمایه تلقی می‌کند و آن را در کنار سرمایه مادی و مکمل آن برمی‌شمرد. به اعتقاد وی سرمایه‌گذاری در آموزش افراد به

افزایش تولنایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها منجر شده و این قابلیت‌ها در قدرت تولید آن‌ها منعکس می‌شود. بدین معنا که در شرایط مساوی افراد تحصیل کرده و متخصص به نسبت بیشتری در تولید ملی مشارکت دارند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در آموزش خود به‌گونه‌ای موجب تسریع رشد اقتصادی خواهد شد (افقه و همکاران، ۱۳۹۴).

در توضیح رشد اقتصادی کشورهای صنعتی سرمایه‌انسانی نقش مهمی داشته و گفته می‌شود که سهم مهمی از رشد اقتصادی این کشورها ناشی از سرمایه‌انسانی است. سرمایه‌انسانی درواقع مکمل سرمایه فیزیکی بوده و موجب می‌گردد تا از سرمایه‌های فیزیکی به‌صورت مناسب‌تری بهره‌برداری شود. تجربه کشورهای پیشرفته و مطالعات مختلف در زمینه رشد اقتصادی کشورها در طول زمان و یا در میان کشورها، نشان داده است که توضیح نرخ رشد اقتصادی تنها از طریق عوامل مرسوم مانند سرمایه و نیروی کار، نتایج دقیقی به دست نمی‌دهد و سرمایه‌انسانی به‌عنوان یک متغیر اصلی باید وارد مدل‌های رشد شود.

نیروی انسانی کارآمد و سالم، امکان افزایش تولید و ارزش‌افزوده را فراهم می‌آورد و توزیع برابر در آموزش و بی‌توجهی به این عامل مهم می‌تواند از دلایل توسعه‌نیافتگی در برخی از کشورهای درحال توسعه باشد. سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی و افزایش سهم آن در کل سرمایه‌گذاری کشور، باعث بهره‌برداری بهتر از سرمایه فیزیکی می‌گردد و عامل

مهمی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. لوکاس در بررسی‌های خود بهره‌وری نهایی سرمایه اجتماعی را معرفی نموده و معتقد است برای اینکه سرمایه‌های فیزیکی در کل جامعه بتوانند بهره‌وری بالایی داشته باشند باید از سرمایه انسانی برابر استفاده نمایند. وی بهره‌وری نهایی سرمایه اجتماعی را تابع مثبتی از سرمایه انسانی و دانش (شناخت) عمومی می‌داند. وی معتقد است که با تربیت نیروی انسانی ماهر، می‌توان به سرمایه انسانی دست‌یافت و این امر در سایه مدت‌زمانی است که افراد جامعه صرف تحصیل علم و دانش می‌نمایند. پس می‌توان تحصیلات را موتور رشد سرمایه انسانی و رشد اقتصادی جامعه را تابعی از موجودی سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی دانست. هرچند به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان سرمایه انسانی نقش بسیار بارزی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌نماید، اما باین‌وجود نحوه اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، مکانیسم‌های اثرگذاری آن و نیز تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه انسانی بر رشد و توسعه اقتصادی به‌طور کامل شناخته‌شده نیست، پس برای شناخت هرچه مناسب‌تر سرمایه انسانی و اثرات اقتصادی لازم آن بر رشد اقتصادی ضروری است که به بررسی این عامل و اثرات آن در جوامع مختلف و با توجه به ویژگی‌های اقتصادی آن‌ها پرداخته شود (اکبریان و همکاران، ۱۳۸۹).

رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها در همه جوامع و کشورهاست. بنابراین شناخت عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی پیوسته موردنظر برنامه‌ریزان

اقتصادی اجتماعی کشورها بوده است. متغیرهای متعددی مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیرگذارند. از میان این متغیرها اما آموزش از اهمیت خاصی برخوردار است. شواهد نشان می‌دهد که میزان نابرابری آموزشی در جوامع مختلف یکسان نیست و دامنه این نابرابری به عوامل مختلفی بستگی دارد. طی دهه‌های گذشته، این باور در میان اقتصاددانان شکل گرفته است که برابری فرصت‌های آموزشی برای همگان از طریق گسترش امکانات آموزشی نه تنها به افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی منجر می‌شود بلکه زمینه‌ساز بهبود توزیع درآمد نیز می‌گردد. آموزش علاوه بر اینکه یکی از حقوق اولیه و اساسی هر انسان است، از پایه‌های اصلی توسعه جوامع نیز به شمار می‌رود؛ لذا چنانچه برنامه‌ریزی مناسب و صحیح در مورد آن صورت گیرد بازده اقتصادی، اجتماعی و فردی فراوانی به همراه دارد. شواهد متعددی وجود دارند که نشان می‌دهد که ارتباط بسیار نزدیکی بین تحصیلات و درآمد افراد وجود دارد؛ به این معنی که آموزش مناسب‌تر، سبب دستیابی افراد به مشاغل بهتر می‌شود؛ بنابراین موقعیت شغلی و به تبع آن درآمد و وضعیت اقتصادی افراد و جامعه بهبود می‌یابد. لذا، فراهم آوردن امکانات آموزشی برابر برای همه افراد جامعه می‌تواند گامی برای رشد اقتصادی در جامعه تلقی شود (نیلی و شهاب، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب در این مطالعه سعی بر آن است تا تأثیر نابرابری آموزشی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار بگیرد.

ضرورت و اولویت کتاب

همان گونه که ذکر شد، رشد اقتصادی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها و سیاست‌گذاران کشور می‌باشد و بنابراین بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن حائز اهمیت است. یکی از این مهم‌ترین این عوامل، توزیع برابر آموزش برای افراد جامعه است.

رشد اقتصادی به معنای افزایش مستمر تولید ملی واقعی سرانه در یک کشور، به‌عنوان معیاری برای سنجش عملکرد اقتصادی یک جامعه مطرح است و افزایش نرخ آن به بهبود رفاه اجتماعی منجر می‌گردد. رشد اقتصادی از جمله اهدافی است که هر اقتصادی آن را دنبال می‌کند و دلیل این امر نیز دستیابی به منافع و مزایای فراوانی است که در روند رشد تحقق می‌یابد؛ اما دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تأمین می‌کند؟ یا نرخ رشد اقتصادی چگونه و از طریق چه عوامل و سیاست‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ از نظر تاریخی، نخستین مفهوم و عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در الگوهای رشد، عامل سرمایه بود و تغییرات تولید یا رشد اقتصادی با تغییرات انباشت سرمایه فیزیکی تبیین می‌شد، به‌گونه‌ای که هر چه تراکم سرمایه فیزیکی در کشوری بیشتر بود، انتظار می‌رفت رشد اقتصادی آن هم افزایش یابد. اکثر اقتصاددانان بر تشکیل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی و شکل گسترش‌یافته آن یعنی توزیع مناسب در آموزش به‌عنوان عامل

اصلی تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید دارند. در نظریه های جدید رشد نیز بر نقش این مهم در چارچوب نظریه توسعه سرمایه انسانی بر روی رشد اقتصادی تأکید بیشتری می شود و نیروی انسانی آموزش دیده و اندیشه و تفکر او در توسعه و گسترش تکنولوژی تولید به عنوان پایه و محور اساسی پیشرفت و رشد اقتصادی معرفی می گردد. پذیرش عامل سرمایه انسانی به عنوان یک جریان اصلی در ادبیات اقتصادی به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مربوط می شود؛ یعنی زمانی که اقتصاددانان تلاش کردند توضیح قانع کننده ای برای بخش عمده ای از رشد اقتصادی که بدون توضیح باقی مانده بود، ارائه دهند.

پیشرفت یک کشور تا آنجا که روند استفاده از روش های مدرن ادامه دارد، همیشه میسر خواهد بود. روش های مدرن، تنها به معنی در اختیار داشتن ابزارهای جدید نیست. در حقیقت روش های مدرن، به دنبال افکار نوین و مدرن به وجود خواهند آمد (قرمباغیان، ۱۳۷۳: ۹۱). بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در حقیقت کمبود سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی و سعی در برابری آموزش سرمایه انسانی عامل اصلی نازل بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی که این کشورها سطح مهارت های حرفه ای را ارتقاء نداده اند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی می ماند و رشد اقتصادی با کندی و همراه با هزینه های سنگین تر صورت می گیرد. درواقع می توان گفت سرمایه های فیزیکی تنها زمانی مولد خواهد شد که

کشور دارای مقادیر لازم سرمایه انسانی باشد (مهدوی و نادریان، ۱۳۹۲). رشد اقتصادی علاوه بر عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت فنی در تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تخصیص مطلوب‌تر منابع و درنهایت به سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بستگی دارد. در این راستا آموزش و پرورش نه تنها موجب خلق ابداعات و شکوفایی استعدادها و تحصیل مهارت‌های نیروی انسانی می‌شود، بلکه به‌عنوان اهرمی در جهت افزایش رشد اقتصادی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این موضوع مؤید این مطلب است که کارآمد بودن نیروی انسانی، رشد اقتصادی و اجتماعی را در یک کشور تضمین می‌کند (افضل و همکاران، ۲۰۱۲). آموزش انسان را به سرمایه انسانی تبدیل می‌کند که دربرگیرنده مهارت موردنیاز برای بخش سنتی و بخش مدرن اقتصاد است و قدرت تولیدی اشخاص را بیشتر می‌کند. آموزش فنی و عمومی هر دو از طریق ایجاد توانایی در افزایش قدرت تولیدی جمعیت و به‌ویژه نیروی کار باعث افزایش درآمد می‌شود. هسته اصلی نظریه سرمایه انسانی آن است که آموزش قدرت تولیدی نیروی کار را افزایش می‌دهد که آن نیز به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. در رسیدن به منابع انسانی یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌ها، آموزش و پرورش است؛ زیرا هدف آموزش و پرورش، آماده کردن کودک برای به عهده گرفتن مشاغل تخصصی در آینده و شرکت در نظام تقسیم کار است. در کشوری مانند ایران به دلیل محدودیت‌های ناشی از کمبود نیروی انسانی ماهر، این موضوع از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار